

پیامدهای ژئوپلیتیکی اختلافات سرزمینی ژاپن با چین و چشم‌انداز تحولات منطقه ژئوپلیتیکی شرق آسیا دلشاد خضری

دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

زهره پیشگاهی فرد^۱

استاد گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

عزت‌الله عزتی

دانشیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۷/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۱۱

چکیده

اختلافات ارضی نسبت به تعدادی از جزایر غیر مسکونی در دریای چین شرقی به مسئله مهمی در روابط دو کشور ژاپن و چین در سال‌های اخیر تبدیل شده است. جزایر مورد اختلاف در ژاپن به سنکاکو و در چین به دیائویو شناخته می‌شوند. این جزایر که در قلمرو دریایی، انحصاری اقتصادی دو کشور ژاپن و چین واقع شده‌اند، مورد ادعای مالکیت هر دو کشور می‌باشند. هدف این نوشتار واکاوی علل مناقشه ژاپن و چین بر سر جزایر سنکاکو یا دیائویو و تبیین ریشه‌ها و پیامدهای ژئوپلیتیکی و چشم‌انداز تحولات این مناقشه در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که پیامدهای ژئوپلیتیکی در سطح منطقه‌ای: تشدید تعارضات ژئوپلیتیکی و رشد ملی‌گرایی، تغییر در توازن ژئوپلیتیکی و برهم زدن امنیت منطقه، تداوم بحران ژئوپلیتیکی و اخلاف در همکاری‌های اقتصادی کشورهای منطقه را بدنبال دارد؛ در سطح فرامنطقه‌ای نیز ایالات متحده به عنوان بازیگر اصلی از یک سو حامی ژاپن و از سوی دیگر خواهان ثبات در منطقه با سیاست چرخش به آسیا برای پیشبرد اهداف راهبردی خود در شرق آسیا می‌باشد، که فرصت‌هایی را نیز برای نقش آفرینی بیشتر ایران در خاورمیانه فراهم می‌کند.

واژگان کلیدی: پیامدهای ژئوپلیتیکی، شرق آسیا، ژاپن، چین، اختلافات سرزمینی، ایالات متحده، ایران

مقدمه

سنکاکو یا دیائویونام جزایری است که اختلاف میان ژاپن و چین را طی چند سال اخیر در منطقه ژئوپلیتیکی شرق آسیا به حداکثر رسانده است. این جزایر در دریای چین شرقی در مجاورت جزیره تایوان قرار دارد و شامل هشت جزیره سنگی خالی از سکنه به مساحت ۷ کیلومتر مربع می‌باشد که به لحاظ تقسیمات جغرافیای سیاسی برون ساحلی این جزایر در محدوده قلمرو انحصاری اقتصادی آدو کشور ژاپن و چین قرار می‌گیرند؛ در نتیجه مرزهای دریایی دو کشور با همدیگر تداخل پیدا کرده و این محدوده مورد ادعای مالکیت هر دو آنها می‌باشد.

جزایر مورد اختلاف در نخستین جنگ میان چین و ژاپن در سال ۱۸۹۵، توسط ژاپن تصرف گردید. ژاپن تا پایان جنگ جهانی دوم خود را مالک این جزایر می‌دانست، اما پس از شکست ژاپن، اداره این جزایر به دست آمریکا افتاد. برغم اعتراضات چین و تایوان آمریکا اداره این جزایر را مجدداً به ژاپن واگذار کرد. پس از کشف نفت در این مناطق اختلاف به تنش سیاسی - اقتصادی در منطقه بین ژاپن، چین و تایوان مبدل شده است (Shahali, 2013:34). این منطقه از مراکز مهم ماهیگیری می‌باشد. همچنین احتمال زده می‌شود که دارای منابع عظیم نفت و گاز باشد. منابع نفتی آن را ۲۱۳ میلیارد بشکه، که ۱۰ برابر بیشتر از ذخایر خلیج مکزیک می‌باشد و منابع گاز آن نیز ۲۵۰ تریلیون فوت مکعب تخمین می‌زنند. از طرفی ژاپن از نظر ذخایر سوخت فسیلی با کمبود مواجه است؛ از طرف دیگر چین نیز بزرگترین مصرف کننده انرژی در جهان است و هر ساله ۶ درصد بر میزان مصرف این کشور افزوده می‌شود. این شرایط باعث می‌شود دو کشور نسبت به ادعاهای خود بر این جزایر کوتاه نیایند که منجر به تنش‌های بیشتر توکیو و پکن خواهد شد (Jamejam, 2012).

ژاپن در اقدامی دست به ملی کردن این جزایر زده و همین مسئله چینی‌ها را خشمگین کرده است. هرچند به لحاظ حقوقی، مالکیت ژاپن بر این جزایر از وجاهت بیشتری در قوانین حقوق بین الملل برخوردار است، اما چینی‌ها نیز مدعی‌اند که از زمان حکومت مینگ‌ها، این جزایر متعلق به آنها بوده و دست نوشته‌های باقی مانده از قرن پانزدهم نیز این مسئله را تأیید می‌کند. این بحران ژئوپلیتیکی هر از گاهی دو قدرت آسیایی را به جان هم می‌اندازد. بطوری‌که بارها چین و ژاپن هواپیماهای جنگنده و کشتی‌های گشت‌زنی خود را به آب‌های نزدیک این جزایر اعزام کرده‌اند. این نزاع نگاه سایر قدرت‌های جهانی را به خود جلب کرده، کمالینکه ژاپن با ایالات متحده آمریکا و چین با روسیه دست به رزمایش نظامی مشترک در منطقه مورد اختلاف زده‌اند. رشد فزاینده این اختلافات مرزی و ادعاهای ارضی در شرق آسیا می‌تواند پیامدهای ژئوپلیتیکی مهمی را بر نوع مناسبات و همگرایی کشورهای منطقه و سایر قدرت‌های فرامنطقه‌ای در شرق آسیا و همچنین خاورمیانه به عنوان منطقه‌ای استراتژیک برای ایالات متحده که مهم‌ترین بازیگر مداخله‌گر فرامنطقه‌ای در بحران شرق آسیا است، بدنبال داشته باشد.

در این فضای متحول جهانی، کشور ایران نیز در یکی از حساس‌ترین موقعیت‌های ژئوپلیتیکی جهان قرار دارد به نحوی که مناطق ژئوپلیتیکی فعالی با کارکردهای گسترده و متعدد گرداگرد آن را فرا گرفته است. این موقعیت نه تنها باعث تأثیرگذاری ایران بر فرآیندهای تحولات جهانی و منطقه‌ای می‌شود بلکه کارکرد مناطق ژئوپلیتیکی دیگر

1. Senkaku / Diaoyu

2. Exclusive Economic Zone (EEZ)

نیز می‌تواند مسائل ایران را تحت تأثیر قرار دهد. موقعیت ایران در نظام جهانی و منطقه‌ای و کنش و روابط متقابل آن با قطب‌های قدرت جهانی و مناطق ژئوپلیتیکی، دائماً مسائل جدیدی را می‌آفریند که مجموعاً زمینه بسیار مناسبی را برای مطالعه‌ی عوامل پویا و متحول سیاسی با تأکید بر واقعیت‌های جغرافیایی مولد قدرت فراهم می‌کند. این امر می‌تواند سازماندهی سلسله مراتبی قدرت و فرآیندهای سیاسی در فضای جغرافیایی را حول محور جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک برای جمهوری اسلامی ایران به همراه داشته باشد و متقابلاً این پویایی اوضاع، ضمن گسترش حوزه‌ی معرفتی جغرافیای سیاسی و اهمیت ژئوپلیتیک ج.ا.ا در نظام روابط بین‌المللی، می‌تواند به شناخت بهتر دولت‌مردان کشور برای اتخاذ اولویت‌ها و سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها با حداکثر بازدهی در جهت تأمین بهینه‌ی امنیت و منافع ملی کشور کمک کند (Rashnoo, 2013).

بر این اساس نوشتار حاضر بدنبال پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها می‌باشد که علل مناقشه ژاپن و چین بر سر جزایر سنکاکو/دیائویو چیست؟ تداوم اختلافات ارضی ژاپن و چین در دریای چین شرقی چه پیامدهای ژئوپلیتیکی برای منطقه‌ی ژئوپلیتیکی شرق آسیا خواهد داشت؟ بازیگران فرامنطقه‌ای چه نقشی در تداوم یا حل اختلافات ارضی چین و ژاپن خواهند داشت؟ و همچنین چرخش ایالات متحده از خاورمیانه به شرق آسیا چه تأثیری بر ایران دارد؟ برای پاسخ‌گویی به سؤالات پژوهش حاضر با توجه به ماهیت موضوع، از روش توصیفی-تحلیلی و نیز جمع‌آوری اطلاعات به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای که با بررسی کتب، مقالات، سایت‌های اینترنتی و بهره‌گیری از نقشه‌های جغرافیای سیاسی دریاها و نقشه‌های ژئوپلیتیکی آسیای پاسیفیک جهت شناخت ویژگی مرزهای دریایی و علائق ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در شرق آسیا اساس این تحقیق بوده است؛ که در ابتدا با تشریح مفاهیم نظری تحقیق و نیز موقعیت جزایر و نحوه شکل‌گیری اختلافات مرزی و ادعاهای ارضی دو کشور درگیر در طول تاریخ به تجزیه و تحلیل چشم‌انداز تحولات منطقه ژئوپلیتیکی شرق آسیا در دو بخش پیامدهای ژئوپلیتیکی در سطح منطقه‌ای و سطح فرامنطقه‌ای پرداخته شده است.

مبانی نظری

- وزن ژئوپلیتیکی^۱

عبارتست از ثقل نیروها و عوامل مثبت و منفی مؤثر در قدرت ملی یک کشور یا به عبارتی جمع جبری عوامل قدرت ملی. وزن ژئوپلیتیکی موقعیت و منزلت یک کشور را در مجموعه‌ای از کشورها و یا در سیستم ژئوپلیتیک جهانی و منطقه‌ای نشان می‌دهد (Hafeznia, 2006:109).

- توازن ژئوپلیتیکی^۲

عبارتست از برابری نسبی وزن ژئوپلیتیکی و عناصر قدرت یک واحد سیاسی-فضایی با رقبای آن. واحدهای دارای شرایط موازنه ژئوپلیتیکی معمولاً با یکدیگر به رقابت می‌پردازند و الگوی رابطه بین آنها از نوع برابر و احترام متقابل و بده‌بستان همتراز است. بنابراین رابطه‌ی سلطه در میان آنها معنی ندارد. سیستم‌های ژئوپلیتیکی دو یا چند قطبی متوازن، از زیر بنا و وضعیت توازن ژئوپلیتیکی برخوردارند. در سیستم‌ها و الگوهای رابطه‌ی غیر متوازن نیز چنانچه

1. Geopolitical Weight

2. Geopolitical Balance

یکی از عناصر سیستم خود را در شرایط ارتقاء موقعیت و همترازی با دیگران ببیند به تدریج سودای ناسازگاری در سر می‌پروراند و تلاش می‌کند تا از طریق توسعه‌ی منابع داخلی و یا تکیه بر منابع و عناصر قدرت منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای بنوعی توازن قوا برسد و رابطه‌ی سلطه نابرابر را به رابطه متقابل و برابر تبدیل نماید. مثلاً در سطح منطقه‌ای قدرت‌های درجه‌ی ۲ از طریق ناسازگاری با قدرت درجه ۱ از خود واکنش نشان داده و بر سر کنترل منطقه‌ای و جایگاه رهبری آن و یا تغییر رابطه و تقسیم متوازن منافع و قدرت با یکدیگر به رقابت می‌پردازند (Ibid: 119). کماینکه ایالات متحده با تشکیل ائتلافی با ژاپن و کره جنوبی در برابر قدرت نوظهور چین و سایر کشورهای حامی آن، بدنال برقراری نوعی از توازن ژئوپلیتیکی در منطقه شرق آسیا می‌باشد.

- بحران ژئوپلیتیکی^۱

بحران ژئوپلیتیکی عبارتست از منازعه و کشمکش کشورها و گروه‌های متشکل سیاسی - فضایی و بازیگران سیاسی بر سر کنترل و تصرف یک یا چند ارزش و عامل جغرافیایی. بحران‌ها سرچشمه‌ها و انواع مختلف داشته و از لحاظ کارکردی منجر به خروج سیستم از حالت تعادل و بروز اختلال در وضعیت عادی و فرآیندهای فضای جغرافیایی و زیستگاه انسانها می‌گردند. بحران ژئوپلیتیکی از پایداری و تداوم نسبی برخوردار است و بسادگی قابل حل و بر طرف شدن نیست زیرا موضوع بحران و کشمکش ارزش‌های جغرافیایی هستند که در زمره‌ی منافع ملی و جمعی محسوب می‌گردند. به عبارتی آحاد ملت یا گروه متشکل انسانی از آنها درک منفعت جمعی و ملی دارد بنابراین قابل چشم پوشی نیستند و مصالحه دربارهی آن به سختی انجام می‌پذیرد. حکومت‌ها نیز در مذاکرات دو یا چند جانبه‌ی خود با دشواری روبرو هستند و از این نگرانند که اگر در چارچوب کسب رضایت ملی، بحران را حل و فصل نکنند متهم به خیانت و یا بی‌کفایتی شده و مشروعیت و مقبولیت خود را در بین ملت خود از دست بدهند و از قدرت سیاسی ساقط شوند (Hafezina, 2006: 126-130). منازعات مرزی و اختلاف بر سر تعیین خطوط مرزی در دریای چین شرقی و نیز ادعای مالکیت بر جزایر سنکاکو/دیانویو به عنوان ارزش‌های جغرافیایی بین کشورهای چین و ژاپن، در زمره‌ی بحران‌های ژئوپلیتیکی دیرپا محسوب می‌شوند.

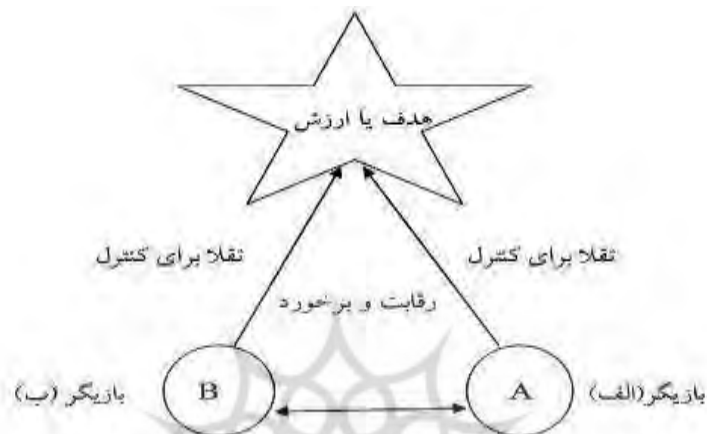
- تعارضات ژئوپلیتیکی^۲

منافع و اهداف متعارض، مواردی است که کشورها و دولت‌ها نگرش و تلقی متضاد و غیر همسو به آنها دارند. بنابراین هرکدام سعی می‌کنند با حذف دیگری یا دیگران بر منافع و منابع چیره شده و کنترل آنرا بدست گیرند (مدل ۱) (Ibid:313). ویژگی‌های متمایز جغرافیایی زیرساخت رفتارهای واگرایی و جدایی‌گزینی در بین دولت‌ها را به وجود می‌آورد (Hafeznia & Kavyani, 2009: 73). عوامل ستیز و تعارض نیز موجب دور شدن واحدهای سیاسی از یکدیگر می‌شود و زمینه بحران را فراهم می‌آورد (Taherimousavi, 2008: 106). بنابراین اهداف و منافع متعارض سرچشمه‌ی فرآیند رقابت، کشمکش و درگیری بین مدعیان بازیگر و دولت‌ها و کشورهای طرف ماجرا می‌باشد. فرآیند رقابت در قالب عمل متقابل دو جانبه یا چند جانبه و بصورت ائتلاف‌ها از دولت‌های همسو و یا رقیب شکل گرفته و توسعه می‌یابد که نهایتاً ممکن است به برخورد نظامی منجر گردد (Hafeznia, 2007: 130).

1. Geopolitical Crisis

2. Geopolitical Conflicts

کشورهای ژاپن و چین به عنوان دو قدرت مطرح در منطقه شرق آسیا در طول تاریخ همواره در رقابت و تقلا برای کنترل بیشتر خود بر فضاهای جغرافیایی گسترده‌تر و وسیع‌تر جهت رسیدن به اهداف راهبردی خود بوده‌اند، که این رقابت‌ها زمینه‌ی برخوردهای گوناگون و گاه نظامی را نیز دربرداشته است. این موارد سرچشمه‌ی بسیاری از تعارضاتی می‌باشد که در تاریخ این دو کشور برای کسب قدرت از طریق گسترش قلمروهای بیشتر نهفته است. بنابراین تعارضات شکل گرفته برای کسب قدرت بیشتر را می‌توان به تعبیری تعارضات ژئوپلیتیکی خواند که هر از گاهی تنش‌های دو کشور را تشدید می‌کند.



مدل ۱- رابطه‌ی بازیگران رقیب (Source: Hafeznia, 2007: 131)

یافته‌ها

- موقعیت جزایر

جزایر سنکاکو یا دیائویو شامل گروهی از جزایر کوچک هستند که به صورت پراکنده در اقیانوس واقع شده‌اند. این جزایر تقریباً در فاصله‌ی ۴۲۰ کیلومتر از فوژو در استان فوجیان چین، ۱۹۰ کیلومتر از کیلونگ در تایوان و ۱۷۰ کیلومتر از جزیره ایشیگاکي تحت ریاست اوکیناوا ژاپن قرار دارند (Moteki, 2010). این جزایر و صخره‌های واقع شده بین آنها، در حدود ۴۰۰ کیلومتر، بین سرزمین اصلی چین و جزیره ژاپنی اوکیناوا واقع شده‌اند (Dzurek, 1996). جزایر ارزش اقتصادی کمی دارند، با این حال دریای سرزمینی و منطقه انحصاری اقتصادی که جزیره سرشار از منابع ماهیگیری هستند و ممکن است از ذخایر غنی نفت و گاز برخوردار باشند (Heflin, 2000: 2).

- اختلافات مرزی و ادعاهای ارضی ژاپن و چین

مرزها کانون انواع مناقشات ژئوپلیتیکی هستند و نقش مهمی در ژئوپلیتیک ملی‌گرایی ایفا می‌نمایند. ملت‌ها نیازمند یا خواهان تثبیت مرزها هستند بنابراین مرزها مشروعیت و قدرت کشور را تأمین می‌کنند. منازعات مرزی محرک اصلی برای کشورها به منظور شروع جنگ یا ایجاد تهدید به جنگ هستند (Flint, 2011: 170-184). مرزهای سیاسی کشور در واقع ویرترین هر کشوری است، به همین علت به محض بروز اختلافات بین کشورها مرزهای سیاسی آنها متأثر خواهد شد (Ezzati, 2007b: 141). بنابر نظریات دریادار ماهان در راستای اهمیت دریا و دریانوردی، برای

1. Fuzhou
2. Keelung
3. Ishigaki

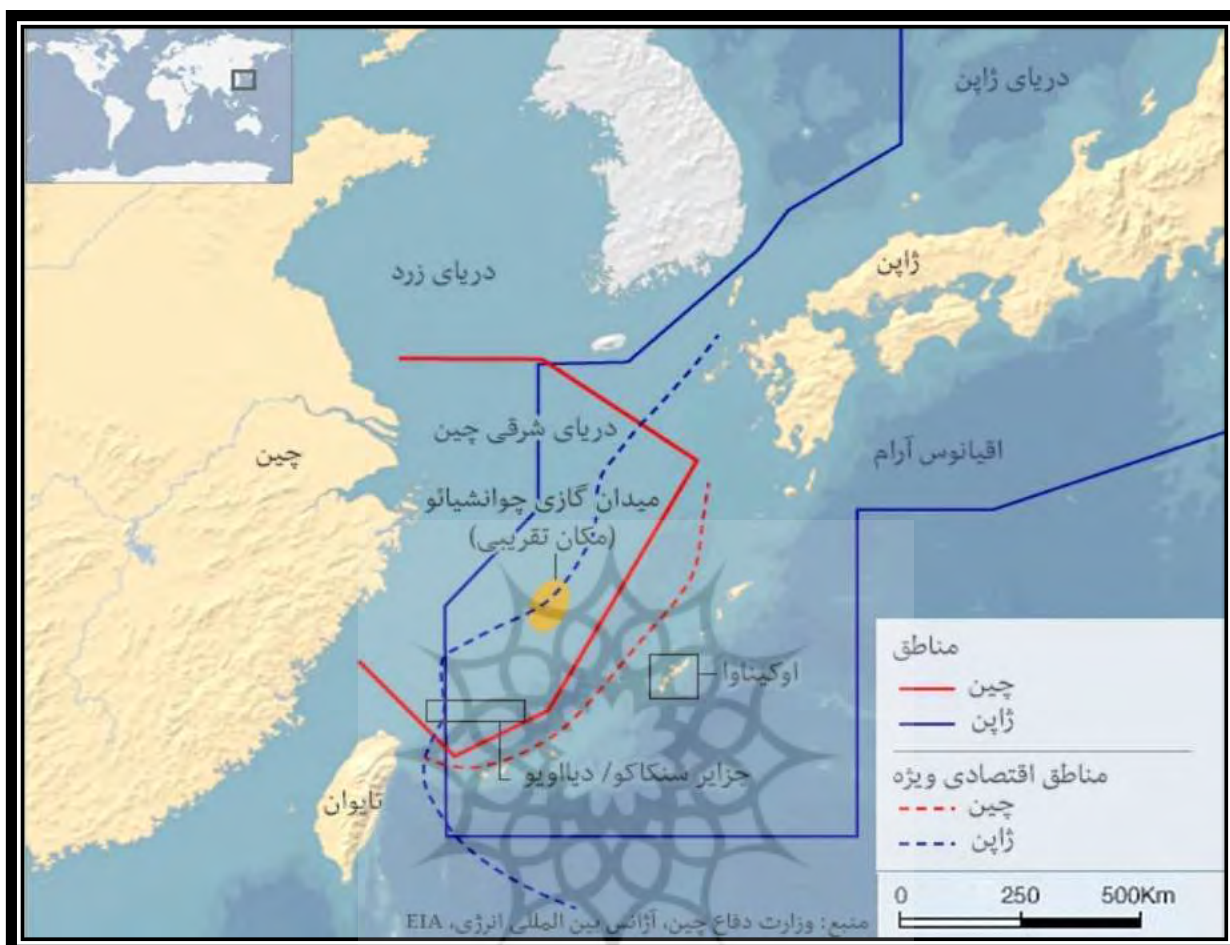
کشورهای دارای مرز ساحلی با دریاهای آزاد، دریا یک امتیاز راهبردی است. قدرت ملی این کشورها به طور قابل ملاحظه‌ای وابسته به نحوه توسعه و استفاده از خطوط ساحلی می‌باشد (Sayari & Khanzadi, 2012: 286). کماینکه کشورهای ساحلی در مناطقی که اختلافات مرزی بین کشورها وجود دارد، با طرح ادعاهای مختلف جهت بالا بردن قدرت و منافع ملی خود به گسترش سواحل و تغییر در مرزهای دریایی خود می‌پردازند. از بسیاری جهات، مرزهای برون ساحلی (دریایی) بالقوه می‌توانند حداقل به همان اندازه‌ی مرزهای خشکی منشأ کشمکش و درگیری بین دولت‌ها باشند، بیشتر به این دلیل که آنها غیر قابل رؤیت هستند و هیچ مانع فیزیکی برای حرکت ایجاد نمی‌کند (Drysedale & Blake, 1995: 189). اغلب مواقع، تیرگی روابط بین دولت‌ها ناشی از اختلاف آنها بر سر افزای مناطق دریایی آنهاست (Mirhaydar, 2006: 174). روش‌های متفاوت برای تحدید در دریاهای بسته و نیمه بسته نشان‌دهنده‌ی بی‌توجهی کنوانسیون‌های حقوق دریاهای آزاد به دول ساحلی این گونه دریاهاست. فقط در ماده (۱) ۷۴ کنوانسیون ۱۹۸۲ آمده است که «برای دستیابی به راه حل عادلانه، تحدید باید به وسیله توافق براساس حقوق بین‌الملل به نحوی که در ماده ۳۸ اساسنامه‌ی دیوان بین‌المللی دادگستری مندرج است، صورت بگیرد» (Pishgahifard, 2005: 27).

دریای چین شرقی دریای نیمه بسته‌ای با مساحت ۱,۲۵۰,۰۰۰ کیلومتر مربع می‌باشد که بین ساحل شرقی چین و اقیانوس قرار گرفته است. که از غرب به سرزمین اصلی چین، از شرق به جزایر ریوکیو ژاپن و از جنوب به تایوان محدود می‌باشد. از طریق تنگه تایوان با دریای چین جنوبی و با تنگه بین ژاپن و کره جنوبی به دریای ژاپن متصل می‌شود. بخش شمالی از دریای چین شرقی، دریای زرد میان چین، کره شمالی و کره جنوبی است. منطقه مورد اختلاف چین و ژاپن در حدود ۲۱۰,۰۰۰ کیلومتر مربع است (دو برابر اندازه ایسلند) که نشان دهنده همپوشانی ادعای دو کشور بر سر مناطق انحصاری اقتصادی می‌باشد. ژاپن ادعا می‌کند قلمرو انحصاری اقتصادی بین دو کشور بر اساس خط میانه تقسیم شده است در حالی که چین ادعا می‌کند قلمرو انحصاری اقتصادی آن از انتهای شرقی فلات قاره چین تا اعماق قلمرو انحصاری اقتصادی ژاپن گسترش می‌یابد (Drifte, 2008a & b). چین و ژاپن ۲۰۰ مایل دریایی از (جزایر) سواحل خود را منطقه انحصاری اقتصادی اعلام کرده‌اند، که تا حدی با هم همپوشانی دارند (نقشه ۱) (Soons & Schrijver, 2012: 8). در واقع اختلافات مرزی به اختلافات دریایی گسترده‌تری بین چین و ژاپن، بیش از اختلاف بر سر حقوق ماهیگیر و معدنی در دریای چین شرقی تبدیل شده است (Drifte, 2008). این ابهامات در رابطه خطوط مرزهای دریایی و نامشخص بودن قلمروهای دریایی دو کشور در دریای چین شرقی از دلایل اختلافات ژاپن و چین بر منطقه تحت مالکیت آنها در دریای چین شرقی می‌باشد.

حاکمیت بر دریای چین شرقی اختلاف ارضی دیگری بین ژاپن و چین می‌باشد. چین در حال حاضر بر ۹۰۰ کیلومتر مربع از دریای چین شرقی، (معادل ۱/۵ برابر منطقه‌ای که ژاپن در اختیار دارد) عملاً حاکمیت دارد، اما ادعای

1. Semi-Enclosed Sea
2. Ryukyu

مالکیت بر ۳ میلیون متر مربع از این دریا را دارد. منابع مهم زیر سطحی این دریا اکنون بیشتر در اختیار ژاپن قرار دارد (Shahali, 2013: 34).



نقشه ۱- اختلافات مرزهای دریایی ژاپن و چین در دریای شرقی

Source: Chinese Defence Ministry, EIA, www.bbc.com, 2013

در رابطه با ادعاهای ارضی یا سرزمینی چین و ژاپن می توان به سیر تاریخی تحولات ژئوپلیتیکی مناقشات دو کشور پرداخت تا به تصویری روشن تر از ادعاهای آنان بر سر مالکیت جزایر سنکاکو و دیائویو دست یافت که به اختصار در زیر به آن وقایع اشاره شده است (نقشه-۲).

جزایر سنکاکو در ژانویه سال ۱۸۹۵ در ژاپن ادغام شد و از آن پس بخشی از ژاپن شد (zhao, 2005). در واکنش به این واقعه تاریخی، یانگ جیچی وزیر خارجه چین در مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلام کرد که این جزایر از زمانهای قدیم بخشی از چین بوده است و ژاپن آنها را در سال ۱۸۹۵ پس از جنگ چین و ژاپن به سرقت برده است (Nishihara, 2012). سنکاکو تا پایان جنگ جهانی دوم تحت حاکمیت مؤثر ژاپن بوده است. در پی شکست ژاپن در جنگ جهانی دوم در ۱۹۴۵، بر اساس اعلامیه قاهره در ماه نوامبر سال ۱۹۴۳ و اعلامیه پوتسدام در ماه ژوئیه سال ۱۹۴۵ که هر دو توسط متفقین صادر شد، ژاپن را ملزم به باز پس دادن سرزمینهای اشغالی چین از جمله

1. Cairo Declaration

2. Potsdam Declaration

تایوان بود. با این حال، جزایر سنکاکو شامل این اسناد نمی‌شد و پس از آن جزایر تحت کنترل ارتش ایالات متحده به عنوان بخشی از اوکیناوا درآمد است (Japanese Communist Party, 2010).

پس از پایان جنگ جهانی دوم جزایر بدون هیچ گونه اعتراضی از سوی چین یا تایوان، تحت کنترل ایالات متحده آمریکا درآمد و استدلال ژاپنی‌ها (که توسط چینی‌ها پذیرفته نیست) این است که آن جزایر بخشی از سرزمین ژاپن است که در پیمان صلح سانفرانسیسکو به آنها واگذار شده است (Krauss, 2013: 185). این جزایر در حال حاضر توسط ژاپن اداره می‌شوند، اما چین و تایوان ادعای خود را بر اساس سوابق تاریخی سلسله مینگ (۱۶۴۴-۱۳۶۸) مطرح می‌کنند (Blanchard, 2006: 212-13; Downs and Saunders, 1998/99: 125; Pan, 2007:77; Tan, 2006).



نقشه ۲- محدوده مورد ادعای مالکیت ژاپن و چین در دریای چین شرقی Source: www.Jamnews.ir, 2013

چین و تایوان در رابطه با جزایر به دولت ژاپن اعتراض نکردند تا زمانی که ذخایر هیدروکربونی آن در سال ۱۹۶۸ کشف شد (Austin, 1998). در تاریخ ۳۰ دسامبر سال ۱۹۷۱، چین به طور رسمی ادعای خود را به حاکمیت بر جزایر دیائویو اعلام کرد و در مارس همان سال، حاکمیت ملی خود را در یک کنفرانس کمیته دریایی سازمان ملل متحد ذکر کرد و چین اظهار داشت که در صورت بازگشت جزایر به ژاپن به هیچ عنوان آنرا نمی‌پذیرد و موافقتنامه بین ایالات متحده آمریکا و ژاپن در مورد جزایر ریوکیو و جزایر دایتورا قبول نمی‌کند (Moteki, 2010). در سال ۱۹۷۲ شاهد ظهور مجدد اختلافات چین با ژاپن به ویژه با اوکیناوا، بر سر برگرداندن حقوق اداری جزایر مورد مناقشه به اوکیناوا بودیم (Tretiak, 1978). اختلافات از سال ۱۹۹۰ دوباره از سر گرفته شد و بتدریج به کانون روابط

¹. Daito

میان چین و ژاپن تبدیل شد و بر ارزش نمادین این جزایر نه تنها برای چین بلکه برای ژاپن هم در سال‌های اخیر افزوده است (O'Shea, 2012). ادعاهای ارضی دو قدرت آسیای شرقی، در قرن ۲۱ با کشف میدان‌های انرژی به اوج خود رسیده است. بطوریکه هر کدام از این کشورها بر مواضع خود اصرار دارند. تداوم این تنش‌ها می‌تواند پیامدهای ژئوپلیتیکی مهمی را برای ثبات و امنیت منطقه و حتی منافع سایر قدرت‌های مداخله‌گر فرامنطقه‌ای در این مناقشات در بر داشته باشد. لذا شاهد چشم‌انداز جدیدی از تحولات ناشی از اختلافات مرزی و ادعاهای ارضی در منطقه شرق آسیا خواهیم بود.

- پیامدهای ژئوپلیتیکی و چشم‌انداز تحولات در سطح منطقه‌ای

۱. تشدید تعارضات ژئوپلیتیکی و رشد ملی‌گرایی در شرق آسیا

رابطه چین و ژاپن بسیار پیچیده است، مملو از خشونت‌های سنگین تاریخی به ویژه جنایات ژاپن در چین از سال ۱۹۳۰ تا پایان جنگ جهانی دوم می‌باشد (Manicom and O'Neil, 2009). ملی‌گرایی چینی به طور عمده در برابر ژاپن و ایالات متحده آمریکا قرار می‌گیرد. افکار عمومی چین تجاوز ژاپن از ۱۹۳۰ تا پایان جنگ جهانی دوم را در یاد دارد، در حالی که ایالات متحده آمریکا به عنوان یک رقیب اقتصادی و همچنین به عنوان یک تهدید استراتژیک می‌باشد (Delhey & Graf, 2011). تاریخ چین، تاریخی بزرگ است؛ ملی‌گرایی شدید فعلی مردم چین به صرف فراگیری اجتماعی، موضوع جدیدی است، چون شامل هویت مشترک و احساسات تعداد فراوانی نفوس در چین می‌باشد (Brzezinski, 2007a: 161). مسائل ارضی کشورها همیشه باعث تحریک احساسات قوی از ملی‌گرایی در همه طرف‌های ذینفع می‌شود. لذا برخورد ملی‌گرایانه مخمل هر گونه تلاش برای حل مشکلات خواهد بود. (Murase, 2013)

نزاع بر سر جزایر سنکاکو/دیانویو، بین چین و ژاپن به تازگی افزایش یافته است و باعث شده که تنش‌های موجود بین کشورهای همسایه آسیایی بیشتر کند. موضوع وقتی اوج گرفت که دولت ژاپن در بیانیه‌ای خواهان خرید جزایر از مالکان خصوصی فعلی ژاپنی شد (Singh, 2012). از آوریل ۲۰۱۲، چین شاهد یک سری از تظاهرات عمومی خشونت‌آمیز علیه تصمیم ژاپنی‌ها به خرید جزایر سنکاکو شد. تظاهرات ضد ژاپنی در یازده شهر چین گزارش شده است. از جمله پکن، شانگهای، هنگ کنگ، چینگدائو، هاربین، چنگدو و شنتن. تظاهرکنندگان اقدام به شکستن و تخریب اتومبیل‌های ساخت ژاپن، رستوران‌های ژاپنی، فروشگاه‌ها و کارخانه‌های ژاپنی کردند. پرچم ژاپن را سوزاندند و شعارهای ضد ژاپنی سر دادند. این وقایع آسیب جدی برای سرمایه‌گذاران و شرکت‌های هر دو کشور به وجود آورد. بطوریکه در واکنش به این اعتراضات، شرکت‌های پاناسونیک^۸ و کانن^۹ تولید محصولات خود را در کارخانه‌های چینی به تعلیق در آوردند. بازرگانان و گردشگران چینی مسافرت خود را به ژاپن لغو کردند.

1. Beijing

2. Shanghai

3. Hong Kong

4. Qingdao

5. Harbin

6. Chengdu

7. Shenzhen

8. Panasonic

9. Canon

شرکت‌های هواپیمایی هر دو کشور پروازهای خود را لغو نمودند. سر انجام در ماه‌های بعد در سپتامبر ۲۰۱۲ دولت ژاپن خرید جزایر از مالک خصوصی ژاپنی پرده برداری کرد و باعث شد تا تنش‌ها افزایش یابد. فعالان چینی و ژاپنی به سمت جزایر حرکت کردند و این درگیری‌ها را تشدید کرد. همچنین دولت چین برای تکرار دوباره ادعای خود بر مالکیت جزایر در آب‌های جزایر به گشت‌زنی پرداخت (Rudakowska, 2013).

هیچ چیز به این اندازه باعث تحریک احساسات ناسیونالیستی و ملی‌گرایی در چین نشده است و این می‌طلبد تا در رابطه با این موضوع ژاپن و چین، ظرافت بیشتری را بخرج بدهند. آنچه که جالب است این است که دولت چین اجازه داده تا شهروندانش برای ابراز احساسات ضد ژاپنی از اینترنت استفاده کنند و این نشان می‌دهد به طور کلی در رسانه‌های چینی ملی‌گرایی علیه ژاپن و همچنین در برابر ایالات متحده آمریکا به اوج خود رسیده است (Singh, 2012). این موضوع نه تنها به افزایش ملی‌گرایی در چین، بلکه در ژاپن نیز شده است و نتیجه آن می‌تواند تشدید رو به رشد تعارضات دو قدرت شرق آسیا باشد. چین و ژاپن منافع و اهداف متعارضی را در منطقه دارند که با رقابت، کشمکش و برخورد در تقلا برای کنترل و رسیدن به منافع و اهداف خود می‌باشند. این عوامل ستیز و تعارض ژئوپلیتیکی در مسئله جزایر سنکاکو/دیانویو نیز مشهود می‌باشد لذا نزاع و رقابت بازیگران، زمینه بحران در شرق آسیای علی‌الخصوص دریای چین شرقی را تشدید می‌کند و منجر به رشد روز افزون ملی‌گرایی افراطی در منطقه می‌شود (جدول ۱).

جدول ۱- حوادث عمده تحریک کننده توسط چین، هنگ کنگ، تایوان برای دفاع از ادعاهای ارضی بر جزایر سنکاکو

زمان	وقایع	پیامدها
۱۹۹۶/۹	یک کشتی از معترضان هنگ کنگ وارد آبهای نزدیک جزایر سنکاکو شد.	تعدادی از معترضان غرق شدند.
۱۹۹۶/۱۰	۴۹ کشتی با هیئتی از معترضان هنگ کنگی و تایوانی به جزایر سنکاکو نزدیک شدند. از این تعداد ۴۱ کشتی وارد آبهای سرزمینی ژاپن شدند.	خروج داوطلبانه از منطقه پس از انجام اعتراضات
۱۹۹۷/۵	۳۰ کشتی با هیئتی از معترضان هنگ کنگی و تایوانی به جزایر سنکاکو نزدیک شدند. از این تعداد ۳ کشتی وارد آبهای سرزمینی ژاپن شدند.	توسط رزم ناوهای ژاپن مجبور به خروج از منطقه شدند
۱۹۹۷/۷	یک کشتی از معترضان تایوانی وارد آب‌های سرزمینی جزایر سنکاکو شدند.	خروج با هشدار گارد ساحلی ژاپن
۱۹۹۸/۶	۶ کشتی از معترضان هنگ کنگ و تایوان به جزایر سنکاکو نزدیک شدند. که یک کشتی و یک قایق لاستیکی وارد آبهای سرزمین شدند.	خروج با هشدار گارد ساحلی ژاپن
۲۰۰۳/۶	یک کشتی از معترضان چینی وارد آبهای سرزمینی نزدیک جزایر سنکاکو شدند.	خروج با هشدار گارد ساحلی ژاپن
۲۰۰۳/۱۰	یک کشتی از معترضان چینی وارد آبهای سرزمینی نزدیک جزایر سنکاکو شدند.	خروج با هشدار گارد ساحلی ژاپن
۲۰۰۴/۱	دو کشتی از معترضان چینی وارد آبهای سرزمینی نزدیک جزایر سنکاکو شدند.	خروج با هشدار گارد ساحلی ژاپن
۲۰۰۴/۳	یک کشتی از معترضان چینی وارد آبهای سرزمینی نزدیک جزایر سنکاکو شدند.	۷ تن از معترضان چینی در جزیره اوتسوری (Uotsuri) فرود آمدند که دستگیر و تبعید شدند
۲۰۰۶/۸	یک کشتی از معترضان تایوانی به جزایر سنکاکو نزدیک شدند.	خروج با هشدار گارد ساحلی ژاپن
۲۰۰۶/۱۰	یک کشتی از معترضان هنگ کنگی و چین وارد آبهای سرزمینی اطراف جزایر سنکاکو شدند.	خروج با هشدار گارد ساحلی ژاپن
۲۰۰۷/۱۰	یک کشتی از معترضان چین وارد آبهای سرزمینی اطراف جزایر سنکاکو شدند.	خروج با هشدار گارد ساحلی ژاپن
۲۰۰۸/۶	یک کشتی از معترضان تایوان وارد آبهای سرزمینی اطراف جزایر سنکاکو شدند.	خروج با هشدار گارد ساحلی ژاپن با همراهی گارد ساحلی تایوان
۲۰۱۰/۹	یک کشتی از معترضان تایوان نزدیک جزایر سنکاکو شدند.	خروج با هشدار گارد ساحلی ژاپن با همراهی گارد ساحلی تایوان
۲۰۱۱/۹	یک کشتی از معترضان تایوان نزدیک جزایر سنکاکو شدند.	خروج با هشدار گارد ساحلی ژاپن هنگامی که در مجاورت آب بودند و با همراهی گارد ساحلی تایوان
۲۰۱۲/۶	یک کشتی از معترضان تایوان نزدیک جزایر سنکاکو شدند.	خروج با هشدار گارد ساحلی ژاپن هنگامی که در مجاورت آب بودند و با همراهی گارد ساحلی تایوان

۲. تغییر در توازن ژئوپلیتیکی و بر هم خوردن امنیت منطقه‌ای

ثبات منطقه‌ی شرق آسیا ثباتی ناپایدار است، یعنی وضعیتی است استوار، اما تنها تا زمانی که در معرض یک ضربه ناگهانی قرار گیرد و زنجیره‌ای از فعل و انفعالات مخرب شروع شود. قدرت فزاینده‌ی برخی کشورهای آسیایی تهدیدی است برای ثبات منطقه آسیا فاقد هر گونه ساختار امنیتی مشترک و بازدارنده‌ی منطقه‌ای است. کشورهای همسایه‌ی منطقه دلخوری‌های عمیقی از هم دارند، آن هم در شرایطی که آسیب‌پذیری‌های استراتژیک‌شان باعث شده است تا ناهنجاری‌های وخیم داخلی‌شان تلخ‌تر شود. قدرت امروزی آسیا در وضعیت منطقه‌ای آشفته و عمدتاً سازمان نیافته‌ای فعالیت می‌کند، وضعیتی که فاقد آن نوع از چارچوب‌های چندجانبه برای همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی است. به این ترتیب، آسیا در آن واحد، هم نمادی است از یک موفقیت اقتصادی، هم یک آتشفشان اجتماعی و هم یک تهدید سیاسی (Brzezinski, 2007b: 142-143). چین که دارای تأثیرات عمیقی بر روی امنیت در منطقه می‌باشد و در حال مدرنیزه کردن قابلیت‌های موشکی و هسته‌ای بوده و بر فعالیت‌های نیروی دریایی و هوایی خود و هم‌چنین دامنه‌ی منطقه عملیاتی و میزان حضورش در دریا افزوده است. از مهم‌ترین بهانه‌های ژاپن برای توسعه نظامی تاکید بر سیاست نظامی گرایانه چین می‌باشد. آن‌ها عنوان می‌کنند که پکن برای نظامی شدن فعالیت می‌کند که تهدید اصلی امنیت ژاپن می‌باشد. در این راستا آنها با بهره‌گیری از هم‌پیمانی آمریکا با استناد به آمار ارائه شده از سوی آمریکا به بزرگ‌نمایی توان نظامی چین می‌پردازند (Shahali, 2011: 253).

در حال حاضر آمریکایی‌ها، ژاپن را به‌عنوان خط مقدم دفاعی خود تلقی نموده و آن را نزدیک‌ترین پست دیده‌بانی فعالیت‌های روس‌ها، چینی‌ها و کره‌شمالی به شمار می‌آورند. همچنین همبستگی منافع آمریکا و دیگر کشورهای صنعتی جهان با منافع ژاپن، وجود صنایع مدرن و سرمایه‌گذاری‌های کلان آمریکا و غرب در این کشور و بالعکس، به اهمیت راهبردی آن افزوده است (Ibid: 30). دولت ژاپن، آمادگی خود را برای یک رزمایش مشترک نظامی با ایالات متحده را اعلام کرده است. نیروهای ژاپنی برای پیوستن به تفنگداران دریایی ایالات متحده در غرب اقیانوس آرام برای یک رزمایش نظامی یک ماهه آماده شده‌اند. که در آن روی تمریناتی تمرکز می‌کنند که برای مقابله با سناریوی گرفتن جزایر اشغال شده توسط دشمن می‌باشد و این عمل سطح اختلافات را در منطقه بالا برده است. اختلاف بر سر این جزایر به عرصه‌ی جدیدی برای به نمایش گذاشتن قدرت چین و ژاپن تبدیل شده است. این دولت‌ها می‌دانند که هر گونه تحولی در رابطه با این موضوع می‌تواند حمایت فوری مردم را بدنبال داشته باشد. با این حال دخالت ایالات متحده آمریکا (به عنوان یک متحد نزدیک ژاپن) وضعیت بیشتر پیچیده می‌کند. واشنگتن خواسته است که مسئله به صورت مسالمت آمیز حل شود. سخنگوی وزارت امور خارجه ویکتوریا نولند گفته است که، «هرگونه اقدامات تحریک آمیز در این رابطه کمکی به حل آن نمی‌کند» (Singh, 2012). هر چند که پس از پایان جنگ جهانی دوم و به ویژه پس از پایان جنگ سرد، استفاده از نیروی نظامی به منظور به دست آوردن سرزمینی تا حد زیادی ناموفق و از نظر بین‌المللی نامشروع می‌باشد (Zacher, 2001). ولی با افزایش مانورهای نظامی چین و ژاپن با متحدین فرامنطقه‌ای خود در محدوده آبهای سرزمینی مورد اختلاف، بیم آن می‌رود که توازن ژئوپلیتیکی منطقه بر هم بخورد و امنیت منطقه را با چالش بزرگی روبرو کند. لذا با توجه به اهمیت راهبردی این منطقه، در

آینده باید شاهد گسترش اختلافات سرزمینی کشورهای منطقه شرق آسیا و تغییر در توازن ژئوپلیتیکی آن با حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای باشیم.

۳. تداوم بحران ژئوپلیتیکی و اخلال در روند همکاری‌های اقتصادی شرق آسیا

رویکرد چین در خصوص همکاری با ژاپن برای توسعه شرق آسیا صلح آمیز و شکوفا و در دو جهت بین قطب‌های میراث تاریخی و روابط اقتصادی موجود در حال حرکت است (Goldstein, 2005: 163). از یک سو در چین، از دیرباز ملی‌گرایی ضد ژاپنی در برابر رفتار تهاجمی ژاپن در گذشته شکل گرفته است. بطوریکه حافظه تاریخی و سیاسی برگرفته از تنش تاریخی میان دو کشور می‌تواند باعث بکارگیری نیروی نظامی شود که پیامدهای جدی برای آینده منطقه آسیا و اقیانوس آرام در بر داشته باشد (Jin, 2006). از سوی دیگر، رهبران عمل‌گرای چینی متوجه هستند که توسعه اقتصادی چین وابسته به ادامه‌ی همکاری‌های اقتصادی نزدیک با ژاپن می‌باشد (Beukel, 2011: 5). بر اساس نظریه‌های وابستگی متقابل، وابستگی متقابل اقتصادی و دیگر روابط فراملی میان دو کشور منجر به منافع مشترکی می‌شود که از درگیری‌های نظامی بین دو کشور جلوگیری خواهد کرد (Keohane and Nye, 2001). با این حال، روابط گسترده اقتصادی و وابستگی متقابل آشکار اقتصادی بین چین و ژاپن در دوره پس از جنگ سرد نگرش‌های جدید به یکدیگر را ایجاد نکرده است و جلوگیری از وخامت بیشتر روابط میان دو غول اقتصادی شرق آسیا را با شکست مواجه کرده است (Yahuda, 2006).

تنش‌های سیاسی بر سر این جزایر و بازتاب آن در تظاهرات خیابانی چینی به عرصه اقتصادی گسترش یافته است و باعث شده تا تعداد زیادی از شرکت‌های ژاپنی به طور موقت در چین دست از کار بکشند (Vandendriessche, 2012: 2) با وجود ابراز تماس‌های لفظی برای افزایش ملی‌گرایی، هر دو کشور چین و ژاپن باید ارزش وابستگی متقابل اقتصادی را درک کنند و مناسبات را بیش از حد با خطر مواجه نکنند. با این حال، اگر چه رویارویی دریایی بعید است ادامه داشته باشد، ولی بی‌اعتمادی استراتژیک همچنان بین توکیو و پکن وجود خواهد داشت (Osti, 2013: 9).

بحران ژئوپلیتیکی ژاپن و چین از پایداری و تداوم نسبی برخوردار است و بسادگی قابل حل و بر طرف شدن نیست زیرا موضوع این بحران و کشمکش، ارزش‌های جغرافیایی (جزایر سنکاکو/دیائویو) هستند که در زمره‌ی منافع ملی و جمعی کشورهای مذکور محسوب می‌شوند. لذا از لحاظ کارکردی تداوم این روند، منجر به خروج سیستم از حالت تعادل و بروز اخلال در همکاری‌های اقتصادی و فرآیندهای فضای جغرافیایی کشورهای شرق آسیا خواهد شد.

- پیامدهای ژئوپلیتیکی و چشم‌انداز تحولات در سطح فرامنطقه‌ای

۱. مداخله ایالات متحده آمریکا و نقش آن در بحران ژئوپلیتیکی چین و ژاپن

ژاپن تا سال ۱۹۴۱ به مدت ده سال با چین در جنگ بود (Ezzati, 2007a: 41). آمریکا برای تحقق پیمان صلح ژاپن (سپتامبر ۱۹۵۱)، دست به تجدید حیات اقتصادی ژاپن زد و این اقدامی پیشگیرانه برای از دست دادن ژاپن بود. بر اساس این پیمان در سانفرانسیسکو تمام مناطق از دست رفته ژاپن عودت داده می‌شود. بعد از فرو نشستن دشمنی‌ها

و ستیزه‌های دوران جنگ، آمریکا و ژاپن در یک صف مقابل (کمونیس‌ها) قرار گرفته بودند- (Yang, 2005: 270).
 (271) آمریکا فقط از طریق یک اتحاد نزدیک با ژاپن خواهد توانست از بلندپروازی‌های چین جلوگیری و از ظهور ناگهانی آن جلوگیری به عمل آورد (Brzezinski, 2007a: 192).

ماده ۵ پیمان امنیتی ایالات متحده و ژاپن (۱۹۶۰) بیان می‌کند که «هر دو طرف (ایالات متحده آمریکا و ژاپن) به رسمیت می‌شناسد، چنانچه حمله مسلحانه علیه هر طرف در مناطق تحت اداره ژاپن صورت گیرد و صلح و امنیت آنرا به خطر اندازد با آن به صورت مشترک، برخورد می‌کنند». به این معنی که سرزمین‌هایی که تحت اداره ژاپن است، اگر مورد حمله مسلحانه قرار گیرد، ایالات متحده آمریکا باید اقدام مشترک برای پاسخگویی به آن انجام دهد (Yamaguchi, 2013). از آنجا که اداره این جزایر به ژاپن منتقل شد، ژاپن و ایالات متحده آمریکا هر دو عنوان کرده‌اند که جزایر مورد اختلاف در محدوده قرارداد ۱۹۶۰ امنیت دوجانبه آنها قرار می‌گیرند (Fravel, 2010: 148).
 ژاپن از کنترل جزایر (هر چند محدود) برخوردار است، که چین تنها می‌تواند با استفاده از نیروی نظامی آن را تغییر دهد. پیمان امنیتی آمریکا و ژاپن به عنوان یک عامل بازدارنده قوی در برابر چنین استفاده از نیروی نظامی قرار دارد به طوریکه درگیری مسلحانه در آینده بعید بنظر می‌رسد (Fravel, 2010).

چالش‌های سیاسی عمده ژاپن (به عنوان شریک راهبردی آمریکا) در ارتباط با کشورهای همسایه و خارجی، همواره از سیاست‌های دولت آمریکا تأثیرپذیر خواهد بود. سیاست‌های دولت اوباما در تمرکز بر منطقه آسیای پاسیفیک و بخصوص شرق آسیا در جهت حفظ برتری سیاسی، اقتصادی و نظامی بر مهمترین رقیب خود در منطقه یعنی چین و اعلام علنی این سیاست از سوی آمریکا در سال ۲۰۱۲ نشان از اهمیت منطقه آسیای پاسیفیک از دیدگاه آمریکا دارد، اما همه نشانه‌های موجود حاکی از آن است که آمریکا به این واقعیت رسیده است که انتقال و تمرکز اساسی سیاست این کشور به منطقه مذکور، به تنهایی از عهده آمریکا خارج می‌باشد و لذا در وهله اول به یاری شرکای سنتی خود (ژاپن و کره جنوبی) چشم دوخته است. تحلیل‌گران سیاسی کاهش بودجه نظامی آمریکا و در پی آن تقویت توان نظامی چین و بر هم خوردن تعادل نظامی در منطقه را عامل بروز و نو شدن اختلاف سرزمینی در این منطقه و بخصوص تشدید اختلافات بین ژاپن و چین بر سر جزایر مورد اختلاف می‌دانند. بالطبع در صورت ادامه تنش‌های موجود در منطقه امنیت و صلح در آسیای پاسیفیک دستخوش تحولاتی خواهد شد. لذا با ادامه فعالیت‌های نیروی دریایی چین در منطقه آب‌های جزایر مورد اختلاف دو کشور و اعلام منطقه شناسایی دفاع هوایی از سوی چین که جزایر مورد اختلاف را نیز شامل می‌شود، تنش‌های منطقه‌ای فعلی بین چین و ژاپن، هر روز ابعاد تازه به خود می‌گیرد (Shahali, 2011: 255).

نحوه تکامل و رشد روابط آمریکا-ژاپن تأثیری حیاتی در آینده ژئوپلیتیک چین دارد. ژاپن متحد مهم، محوری و جهانی آمریکا است، اما هنوز از لحاظ امنیتی تحت الحمايه است (Brzezinski, 2007a: 175). دخالت واشنگتن را در واقع می‌توان به عنوان تلاش برای جلوگیری از ظهور چین در نظر گرفت. این نیز آشکار است که هر دو کشور چین و ژاپن مشتاق به انجام یک جنگ تمام عیار که صلح و ثبات منطقه را بر هم بزند نیستند بطوریکه همگرایی اقتصادی دو کشور موضوع را پیچیده کرده است. واکنش‌های پکن نسبت به این موضوع، می‌تواند یک آزمایشی برای ادعای ظهور صلح آمیز چین باشد (Singh, 2012). بنابراین احتمالاً اختلاف بر سر جزایر در حال شکل دادن به یک مشکل

ژئواستراتژیک بین چین، ژاپن و ایالات متحده آمریکا است (Waseda University Japan-US Research Institute, 2008-2010: 76) که نقش ایالات متحده می‌تواند توازن قوا را به نفع ژاپن شکل دهد و بر حفظ و کنترل جزایر تاکید نماید.

۲. راهبرد آسیا-پاسیفیک ایالات متحده و تلاش برای ثبات منطقه

آسیای پاسیفیک به لحاظ سیاسی فاقد ساختارهای یکپارچه ساز و نهادهای اقتصادی و اجتماعی همراه آن که اتحاد و یکپارچگی اروپای ساحلی را شکل بخشیده، می‌باشد (Cohen, 2008: 549). اقیانوس آرام در حکم یک عامل وحدت ژئوپلیتیکی، با وجود وسعتش، مدت مدیدی است که به عنوان یک میدان عمل ژئوپلیتیکی متصل به یکدیگر در نظر گرفته شده است. ژاپن میل دارد تسلط خود را بر اقیانوس آرام گسترش دهد و چنین امری ممکن است در آینده تحت نظارت ایالات متحده آمریکا انجام پذیرد (Ezzati, 2009a: 130). احتمال تبدیل شدن چین به قدرت بزرگ در جهان آینده، قوی است و چنین قدرتی طبعاً حوزه‌های نفوذ خود را گسترش می‌دهد (Hafeznia, 2009: 157). ظهور چین به عنوان کانون یک منطقه جدید ژئواستراتژیک نه تنها به ضعف نفوذ ایالات متحده و روسیه در غرب و پاسیفیک شمالی، بلکه به تغییرات در خود چین مربوط می‌شود (Cohen, 2008: 470).

چین یک بازیگر منطقه‌ای و جهانی است و روی این اصل باید همراه با آمریکا و روسیه به عنوان یک بازیگر کلیدی در «بازی بزرگ جدید» ملحوظ نظر قرار گیرد. مداخله آمریکا باید تحت این شرایط مورد توجه قرار گیرد. سیاست آمریکا از یک سو در جهت مقابله با آرمان‌های چین برای تبدیل شدن به یک قدرت برتر اقتصادی در جهان قرار دارد و از طرف دیگر، در پی ممانعت از دستیابی روسیه به یک نقش مسلط در منطقه می‌باشد (Ezzati, 2009b: 23). چین پس از فروپاشی شوروی سابق بزرگترین مسأله سیاسی و ژئواستراتژیکی آمریکا شده است. از یک سو شریک اصلی بازرگانی آمریکا است و طرفداران قوی در واشنگتن دارد؛ از سوی دیگر چین تنها قدرت جهانی است که دشمن ایدئولوژیکی آمریکا است و یک قدرت هسته‌ای است که تحت کنترل مستقیم آمریکا نیست و این خصوصیات چین را به عامل ترس و نگرانی برای آمریکا تبدیل کرده است؛ از این رو بزرگترین مشکل امنیت آمریکا، چین است و برژینسکی چین را جزئی از لنگر شرقی سیاست آمریکا در اوراسیا تلقی می‌کند که هم وزن اروپا ارزش دارد (Ezzati, 2005: 226).

کرانه غربی اقیانوس آرام پر سرعت‌ترین منطقه رشد دنیا در نیم قرن گذشته بوده است. این منطقه، دو اقتصاد برتر جهان، ژاپن و چین را در خود جای داده است. چین تقریباً یک چهارم صادرات خود را به ایالات متحده می‌فرستد. اگر آمریکا از ورود محصولات چینی جلوگیری کند، یا تعرفه‌هایی که کالاهای چینی را غیر رقابتی می‌کنند را لغو نماید، چین با بحران‌های اقتصادی بسیاری روبرو خواهد شد. این واقعیت در مورد ژاپن و دیگر کشورهای آسیایی نیز صادق است. از نقطه نظر نظامی، ایالات متحده می‌تواند دسترسی به اقیانوس آرام را هر زمانی که نیاز باشد محدود کند. از نقطه نظر اقتصادی، ایالات متحده به تجارت با آسیا وابسته است، اما نه به آن اندازه که آسیا از لحاظ تجاری به آمریکا وابسته است. بنابراین آسیای شرقی هیچ اقدام موثری در برابر اقدام نظامی یا اقتصادی آمریکا ندارد (Fridman, 2011: 127-130).

این که صحنه‌ی روابط جهانی چگونه در شرق آسیا شکل بگیرد، ناگزیر بر امنیت جهانی تأثیر خواهد گذاشت. این امر نیز خود بستگی دارد به اقدامات دو کشور برتر شرق آسیا، یعنی چین و ژاپن، و این که آمریکا چگونه بر اقدامات آنها تأثیر بگذارد (Brzezinski, 2007b: 142-143). افزایش مناقشات سرزمینی در شرق آسیا با قدرت‌گیری چین، ایالات متحده را بر آن داشته تا با راهبرد بازگشت به آسیا-پاسیفیک در صدد کنترل و مهار چین از طریق حضور بیشتر در منطقه و حمایت از متحدان کلیدی چون ژاپن برآید که از این طریق به افزایش ثبات در شرق آسیا برای پیشبرد اهداف استراتژیک خود و متحدانش بهره ببرد.

۳. تأثیر سیاست چرخش به شرق آسیای ایالات متحده بر ایران

تنش فزاینده میان ژاپن و چین به‌عنوان دو قدرت مطرح در منطقه شرق آسیا بر سر جزایر سنکاکو/دیائو و بهره‌برداری از مناطق انحصاری اقتصادی دریایی دو کشور در آب‌های مورد منازعه، توانائی‌های دریائی رو به رشد چین، تلاش چین برای کنترل بیشتر روند تجارت جهانی در منطقه و افزایش ساخت جزایر مصنوعی در دریای چین جنوبی از جمله مواردی است که عرصه رقابت‌های ایالات متحده آمریکا برای کنترل و مهار رشد هژمونیک چین در شرق آسیا شده است؛ لذا آمریکا با اتخاذ راهبرد جدید «چرخش به آسیا» بر مناطقی دیگری مانند خاورمیانه که در آن درگیر و دارای منافع مهمی است علی‌الخصوص کشور ایران تأثیرگذار خواهد بود.

ایالات متحده آمریکا در قرن ۲۱ سیاست خارجی خود را بر یک راهبرد کلان پایه‌ریزی نموده است که از آن به نام «چرخش به آسیا» یاد می‌کنند. منظور از آسیا در این سیاست همان منطقه شرق و جنوب آسیا است که ایالات متحده ترجیح می‌دهد این منطقه را جزئی از منطقه‌ای بزرگتر به نام آسیا-پاسیفیک بداند و ایالات متحده آمریکا نیز جزئی از آن است. این راهبرد دارای ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و نظامی-امنیتی است (Iran-Eurica, 2016). اتخاذ این راهبرد در سال ۲۰۱۰ بیانگر تغییر رویکرد واشنگتن به سمت شرق با هدف مطمئن ساختن متحدین خود در منطقه آسیای جنوب شرقی مبنی بر بازگشت به آسیا و عزم این کشور برای مقابله با چین را نشان می‌دهد. دیپلماسی آمریکا در این سال بصورت مستقیم نشان‌دهنده حضور ایالات متحده آمریکا در منازعات سرزمینی در دریای جنوب چین و زورآزمایی با چین می‌باشد. بدنبال تصمیم دولت ژاپن برای خرید جزایر سنکاکو/دیائو، تلاش‌های آمریکا برای مطمئن ساختن ژاپن از عزم آمریکا بیانگر حضور آمریکا در مناقشه ارضی چین و ژاپن وضعیت را وخیم‌تر نموده است و از سال ۲۰۱۰ آمریکا حضور نظامی خود را در کره جنوبی برای به چالش کشیدن چین افزایش داده است (Parwaz, 2015). با تغییر دولت در آمریکا در سال ۲۰۱۷، به نظر نمی‌رسد که حساسیت‌های کنونی در مناسبات چین و آمریکا کاهش پیدا کند. چین و ایالات متحده آمریکا، طی سال‌های اخیر سطح رقابت را از ابعاد اقتصادی افزایش داده و از طریق ایجاد اتحاد و ائتلاف‌های سیاسی-امنیتی نوین، در صدد ایجاد موازنه در برابر یکدیگر برآمده‌اند (Monfared, 2015).

خاورمیانه از جمله مناطقی است که از سیاست چرخش به آسیا تأثیر می‌پذیرد. اگر ایالات متحده در پی تغییر کانون سیاست خارجی خود به سمت جنوب شرق آسیا است، می‌باید تعهدات خود در خاورمیانه را کمتر کند و همزمان به

مدیریت این منطقه‌ی چالش‌زا نیز بپردازد. از همین‌رو برنامه‌ها و سیاست‌هایی که در منطقه اتخاذ می‌کنند تقویت کننده همین رویکرد و در چارچوب سیاست کلان چرخش به سمت جنوب شرق آسیا است. این سیاست‌ها عبارتند از: جلوگیری از ایجاد هژمون نفتی در خاورمیانه از طریق توازن جدید نفتی میان ایران و عربستان، حل مشکلات با ایران از طریق مسالمت‌آمیز، کاهش نیروهای نظامی در منطقه، عدم درگیری جدی در بحران‌های منطقه، تشویق و تقویت قدرت نظامی (متکی به توان داخلی یا اتحاد درون منطقه‌ای) متحدین می‌باشد. قدرت‌گیری قوه مجریه‌ای در ایران، که سیاست خارجی تعاملی را اولویت خود قرار داده است فرصتی برای ایالات متحده بود که بخشی از چالش‌های خود در منطقه‌ی خاورمیانه را حل کند و از طرف دیگر نیز با امتیازگیری از ظرفیت‌های ایران در منطقه، بر روند حل دیگر چالش‌های آمریکا در سوریه، یمن، فلسطین، عراق، لبنان و... اثر بگذارد. ایالات متحده همچنین همزمان در منطقه‌ی خاورمیانه در پی ایجاد موازنه قدرت میان ایران و هم‌پیمانانش و شورای همکاری خلیج فارس بوده است. سیاست‌های آمریکا در آغاز مذاکرات هسته‌ای با ایران و در عین حال تقویت توان دفاعی متحدان منطقه‌ای ایش نشانه‌ای بارز از این رویکرد است. پیگیری برقراری مناسبات اقتصادی و شناسایی دیپلماتیک ایران در ازای متوقف کردن برنامه‌ی نظامی - هسته‌ای از اهداف آمریکا طبق همان سیاست توازن قوای فرا ساحل بود (Iran-Eurica, 2016). به عبارتی دیگر ایالات متحده با یک چرخش ملایم درصدد است تا مسئولیت خود را در خاورمیانه به حداقل برساند و به سمت شرق آسیا حرکت کند، که در این بین با پذیرش ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای اثرگذار در مناقشات خاورمیانه فرصت‌های جدیدی را فراروی ایران برای نقش‌آفرینی بیشتر در حل منازعات منطقه‌ای و حفظ و تثبیت قلمروهای ژئوپلیتیکی برای ایران را فراهم ساخته است.

در این راستا جمهوری اسلامی ایران هم اکنون بواسطه برخورداری از ابزارها، اهرم‌ها و پتانسیل‌های بالقوه و بالفعل تأثیرگذار ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی متناسب در سیاست خارجی (بعنوان کشوری سرنوشت‌ساز در عرصه‌های بین‌المللی و برخوردار از تعادل استراتژیکی با قدرت‌ها) از توان لازم برای طراحی و اجرای استراتژی حضور گسترده در عرصه‌های بین‌المللی و بخصوص تعامل و همکاری‌های مؤثر منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برخوردار است. توجه به این ضرورت استراتژیک که نتیجه بارز همراهی و درک مولفه‌های ژئوپلیتیک باز ایران است، عملاً منوط به توان کنش مدیریتی جهت بهره‌برداری از فضای در حال گذار بین‌المللی است ((Rashnoo, 2015).

نتیجه‌گیری

کارکردهای ژئوپلیتیکی پدیده‌های جغرافیایی عملاً منوط به میزان بار سیاسی و تحولات سیاسی در این پدیده‌هاست درک چگونگی شرایط زمانی و مکانی این تحول و استفاده از آن به‌عنوان فرصت و یا تهدید، ضمن لزوم برخورداری تصمیم‌گیران از دانش و توجه کافی، بیانگر ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی بالقوه و یا بالفعل در واحدهای سیاسی است (Rashnoo, 2013:143). یکی از رویکردهای جغرافیدانان سیاسی و ژئوپولیستیسین‌ها این است که به‌خاستگاه و منشأ مناقشات و مداخله‌ها پی‌برند تا اهداف، منافع و علایق ژئوپلیتیک هر یک از بازیگرانی که در منطقه به دنبال مداخله‌ی آن هستند، را شناسایی کنند و از این طریق به تبیین علت و چرایی مداخله و چشم‌انداز تحولات آن بپردازند ((Rashnoo & Hamidi, 2013:43). بنابراین با توجه روند تحولات نوین جهانی در منطقه‌ی شرق آسیا و خاورمیانه با تأکید بر آثار استراتژیک آن بر جایگاه جمهوری اسلامی ایران در این پژوهش نیز منشأ مناقشات بر سر

پدیده‌های جغرافیایی (جزایر سنکاکو/دیائویو) را با نگاهی به سیر تاریخی تحولات در منطقه ژئوپلیتیکی شرق آسیا و شناسایی بازیگران مداخله‌گر و همچنین منافع و اهداف آنها چرایی این مناقشه و پیامدهای آن را در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبیین شده است.

اختلافات ارضی نسبت به یک گروه از جزایر غیر مسکونی در دریای چین شرقی به مسئله مهمی در روابط دو کشور چین و ژاپن در بیست سال اخیر تبدیل شده است. زنجیره‌ای از جزایر، شناخته شده به عنوان سنکاکو در ژاپن و دیائویو در چین، متشکل از تعدادی جزایر کوچک سنگی که از اهمیت اقتصادی و تاریخی برخوردار می‌باشند. با این حال، آب‌های اطراف جزایر از نظر ماهیگیر غنی هستند و برآورد می‌شود که رسوبات بستر آن منابع وسیعی از نفت و گاز را در خود جای داده باشد. علاوه بر ارزش اقتصادی جزایر و گسترش آن در دریای چین شرقی، جزایر با حس ملی‌گرایی درهم تنیده شده‌اند (O'Shea, 2012). نتایج تحقیق نشان می‌دهد طبق قوانین بین‌المللی جزایر سنکاکو جزئی از سرزمین ژاپن محسوب می‌شود که در نخستین جنگ میان چین و ژاپن در سال ۱۹۸۵، توسط ژاپن تصرف گردید اما چین آن را قبول نمی‌کند و ادعای مالکیت خود بر جزایر را با استناد به اسناد تاریخی مطرح می‌کند از این رو چین به همراه هنگ کنگ و تایوان، آب‌های سرزمینی جزایر تحت حاکمیت ژاپن را مورد تعرض قرار می‌دهد که این امر باعث برانگیخته شدن حس ملی‌گرایی ضد ژاپنی در منطقه شده است.

چشم‌انداز تحولات منطقه ژئوپلیتیکی شرق آسیا در دو سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای حاکی از این می‌باشد که در سطح منطقه‌ای پیامدهای ژئوپلیتیکی این اختلافات مرزی و ادعاهای ارضی بر سر جزایر سنکاکو/دیائویو باعث تشدید تعارضات ژئوپلیتیکی در منطقه با بروز تظاهرات مردم چین در شهرهای مختلف آن، حمله به سفارت ژاپن، به آتش کشیدن پرچم ژاپن و تبع آن رشد ملی‌گرایی افراطی در منطقه شده است. همچنین با افزایش مانورهای نظامی چین و ژاپن با متحدین فرامنطقه‌ای خود در محدوده آب‌های سرزمینی مورد اختلاف، بیم آن می‌رود که توازن ژئوپلیتیکی منطقه بر هم بخورد و امنیت منطقه را با چالش بزرگی روبرو کند؛ لذا عدم تعادل در نظم منطقه‌ای شرق آسیا که با اختلافات مرزی و ادعاهای سرزمینی بر سر جزایر به عنوان ارزش‌های جغرافیایی دو قدرت برتر منطقه یعنی ژاپن و چین، باعث تداوم این بحران ژئوپلیتیکی دیرینه می‌شود و به تبع آن می‌تواند روند همگرایی و همکاری‌های اقتصادی بین کشورهای شرق آسیا را با مشکل مواجه کند. بطوریکه موجب شده که شرکت‌های مهم ژاپنی در چین دست از کار بکشند.

در سطح فرامنطقه‌ای نیز ایالات آمریکا به عنوان بازیگر اثر گذار در این بحران ژئوپلیتیکی و متحد ژاپن می‌خواهد ظهور قدرت جهانی چین را به چالش بکشد و در این راه حامی ژاپن می‌باشد که مانورهای نظامی مشترک با ژاپن در محدوده آب‌های ساحلی جزایر مورد اختلاف انجام داده است. لذا حضور ایالات متحده می‌تواند توازن قوا را به نفع ژاپن شکل دهد و بر حفظ و کنترل جزایر تاکید نماید. همانطور که آمریکا با اتخاذ راهبرد آسیا-پاسیفیک به افزایش حضور خود در منطقه برای کنترل و مهار چین می‌پردازد تا ثبات در شرق آسیا را برای متحدانش فراهم کند. اما با توجه به اختلافات مرزی و ادعاهای ارضی تعداد کثیری از کشورهای منطقه شرق آسیا و اهمیت استراتژیک آسیای پاسیفیک برای بازیگران مداخله‌گر در تمامی سطوح قدرت، شاهد ترسیم چشم‌انداز جدیدی از تحولات

ناشی از اختلافات مرزی و ادعاهای ارضی، حضور و مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای در منطقه شرق آسیا خواهیم بود.

اتخاذ راهبرد چرخش به آسیا در سال ۲۰۱۰ نیز بیانگر تغییر رویکرد ایالات متحده به سمت شرق آسیا با هدف مطمئن ساختن متحدین خود در آن منطقه، مبنی بر عزم این کشور برای مقابله و مهار چین را نشان می‌دهد. که در این فرآیند آمریکا ناچار است تعهدات خود در خاورمیانه را کمتر کند و ایران را به عنوان قدرت منطقه‌ای اثرگذار در معادلات خاورمیانه بپذیرد؛ کماینکه با حل مسالمت‌آمیز مساله هسته‌ای و برداشتن تدریجی تحریم‌های یک‌جانبه علیه ایران فرصت‌های جدیدی را فرا روی ایران برای نقش‌آفرینی بیشتر در معادلات سیاسی و اقتصادی منطقه خاورمیانه با برقراری توازن نفتی، استفاده از امتیاز ایران برای حل بحران‌ها و منازعات داخلی عراق و سوریه فراهم کند.

همچنانکه پژوهش حاضر نشان داد اختلافات مرزی و ادعاهای ارضی در اکثر نقاط جهان کانون انواع مناقشات ژئوپلیتیکی در بین کشورهای درگیر منطقه و سایر قدرت‌های فرامنطقه‌ای می‌باشد. بنابراین این منازعات در صورتی که راهکار بهینه برای برون رفت از آن طراحی نگردد محملی برای افزایش رقابت‌ها و نا امنی‌ها در دیگر مناطق را نیز فراهم خواهد کرد. از سوی دیگر اشراف مراکز تحقیقاتی به بحران‌های سرزمینی شکل گرفته در مناطق استراتژیک می‌تواند شرایط را فراهم سازد تا کشورها با اتخاذ راهبردها و کدهای ژئوپلیتیکی سازنده بدنبال کسب منافع ملی بیشتر برای خود باشند البته این امر مشروط به آن است که راهبردها و اهداف بازیگران را به درستی شناسایی کرد. همانطور که با شناخت صحیح از اهداف ایالات متحده آمریکا در اتخاذ راهبرد حرکت به آسیای شرقی، ایران به عنوان بازیگری مهم در خاورمیانه از این فرصت بوجود آمده برای کسب منافع ملی و نقش‌آفرینی بیشتر در این منطقه بهره‌مند شده است. بنابراین شناخت و آگاهی از تحولات ژئوپلیتیکی دیگر مناطق با توجه به پیوستگی تحولات جهانی و اثرات منطقه‌ای آن امری ملزم می‌باشد که در این تحقیق با به تصویر کشیدن اختلافات سرزمینی دو قدرت در منطقه شرق آسیا یعنی ژاپن و چین اثرات و پیامدهای آن از سویی بر منطقه شرق آسیا و از سوی دیگر بر ایران در خاورمیانه نشان داده شد. البته تحقق این مهم مستلزم آگاهی و اشراف مسئولان اعم از تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران کشور بر یافته‌ها و تحلیل‌های علمی دانش ژئوپلیتیک در رابطه با این گونه تحولات می‌باشد.

References

- Austin, G. (1998). *China's Ocean Frontier: International Law, Military Force and National Development*, Canberra: Allen and Unwin.
- BBC. (2013). American bombers over disputed islands with China and Japan flew, available at: http://www.bbc.com/persian/world/2013/11/131126_an_china_us_fighter_japan
- Beukel, Erik. (2011). *Popular Nationalism In China And The Sino Japanese Relationship The Conflict In The East China Sea an Introductory Study*, Danish Institute for International Studies, Copenhagen, Denmark.
- Blanchard, Jean-Marc. (2006). "China's Peaceful Rise and Sino-Japanese Territorial and Maritime Tensions", Guo (ed.), op. cit., pp. 211-36.
- Brzezinski, Zbigniew. (2007a). *the Grand Chessboard: American Primacy and Its Geostrategic Imperatives*, Translated By Amirhossein Tavakoli, Sabzan Publication, Tehran [In Persian].

- Brzezinski, Zibigniew. (2007b). *the Choice Global Domination or Global Leadership*, Translated By Amirhossein Nowrouzi, Ney Publication, Tehran [In Persian].
- Cohen S. B. (2008). *Geopolitics of the World System*, Translated By A. Kardan, Tehran International Studies & Research Institute Publication, Tehran [In Persian].
- Drifte, Reinhard (2008a), "Japanese-Chinese territorial dispute in the East China Sea –between military confrontation and economic cooperation", Working Paper 24 Asia Research Centre, London School of Economics and Political Science.
- Drifte, Reinhard. (2008). "Japanese-Chinese Territorial Disputes in the East China Sea – Between Military Confrontation and Economic Cooperation", in LSE Asia Research Centre, Working Paper no. 24, available at: http://www.lse.ac.uk/collections/asiaResearchCentre/pdf/WorkingPaper/ARCWorking_Paper_24_Drifte_2008.pdf, 28 February 2011.
- Drifte, Reinhard. (2008b). "From "Sea of Confrontation" to "Sea of Peace, Cooperation and Friendship" Japan Facing China in the East Asia Sea", *Japan aktuell*, 3/2008, pp. 27–51.
- Drysdale. A & Blake, G. (1995). *The Middle East and North Africa: a Political Geography*, Translated by Dorreh, Mirheydar, Institute for Political and International Studies of the Ministry of Foreign Affairs, Tehran [In Persian].
- Downs, Erica Strecker and Phillip C. Saunders. (1998/99). "Legitimacy and the Limits of Nationalism", *International Security*, Vol. 23, No. 3, Winter 1998/99, pp. 114–46.
- Dzurek, Daniel. (1996). "The Senkaku/Diaoyu Islands Dispute", 18 October 1996, available at: <http://www-ibru.dur.ac.uk/resources/docs/senkaku.html>.
- Ezzati, Ezzatollah. (2005). *Geostrategy*, Samt Publication, Tehran [In Persian].
- Ezzati, Ezzatollah. (2007a). *Geopolitics*, Samt Publication, Tehran [In Persian].
- Ezzati, Ezzatollah. (2007b). *New theory of Political Geography*, Ghoomes Publication. Tehran [In Persian].
- Ezzati, Ezzatollah. (2009a). *21st century geopolitics*, Samt Publication, Tehran [In Persian].
- Ezzati, Ezzatollah. (2009b). *Iran's Strategic Geography, Vol I*, National Geographical Organization Publication, Tehran [In Persian].
- Flint, Colin. (2011). *Introduction to Geopolitics*, Translated by M.B Ghalibaf & M.H. Pouyandeh, Ghoomes Publication, Tehran [In Persian].
- Fravel, M. T. (2010). "Explaining Stability in the Senkaku (Diaoyu) Dispute", in Curtis, Gerald et al. (eds) *Getting the Triangle Straight: Managing China-Japan-US Relations*, Washington DC: The Brookings Institution Press, available at: http://www.jcie.org/researchpdfs/Triangle/7_fravel.pdf, 9 June 2011.
- Fridman, George. (2012). *the Next 100 Years (A Forecast for the 21 Century)*, Translated by M.Z. Goharpour & M.D. Azad. Zeytunesabz Publication, Tehran [In Persian].
- Goldstein, Avery. (2005). *Rising to the Challenge. China's Grand Strategy and International Security*, Stanford, Calif: Stanford University Press.
- Hafeznia, Mohammad Reza. (2006). *Principles and Concepts of Geopolitics*, Amirkabir Publication. Mashhad [In Persian].
- Hafeznia, Mohammad Reza. (2008). *National Power and Interests (Sources, Concepts & Measurement Methods)*, Entekhab Publication. Tehran [In Persian].
- Hafeznia, Mohammad Reza. (2009). *Persian Gulf and Strategic Role of Strait of Hormuz*, Samt Publication. Tehran [In Persian].
- Hafeznia, Mohammad Reza & Kavianirad Morad. (2009). *the New Approaches in Political Geography*, Samt Publication, Tehran [In Persian].
- Heflin, William B. (2000). "Diayou/Senkaku Islands Dispute: Japan and China Oceans Apart", *Asian-Pacific Law & Policy Journal*, available at: http://blog.hawaii.edu/aplpj/files/2011/11/APLPJ_01.2_heflin.pdf
- Iran-Eurica. (2016). *America; Pivot policy to East Asia and its impact on the Middle East*, Iranian Institute For European & American Studies. available at: <http://eurica.ir/modules/smartsection/item.php?itemid=344> [In Persian].

- Jamejam. (2012). Between China and Japan over disputed islands, available at: <http://www1.jamejamonline.ir/printable.aspx?newsnum=100828962267> [In Persian].
- Jamnews. (2013). The independence of the country is advanced / advanced country should be looked into America army?, available at: <http://www.jamnews.ir/TextVersionDetail/215179>
- Japanese Communist Party. (2010). "Senkaku Islands Question", Japan Press Weekly, Special Issue - October 2010, Tokyo, Japan. available at: http://www.japanpress.co.jp/modules/common/download.php?path=/home/jpspress/japanpress.co.jp/public_html/modules/special_issues/data/1353926607.pdf&name=2010_10%20Senkaku%20Islands%20Question.pdf
- Delhey, Jan and Graf, Timo. (2011). "Chinese Trust in Europeans: Research Findings and Policy Implications", August 2011, available at: <http://www.nottingham.ac.uk/cpi/documents/funded-projects/fp7-chinese-viewsofeu-delhey-graf.pdf>
- Jin, Qiu. (2006). "The Politics of History and Historical Memory in China-Japan Relations", Journal of Chinese Political Science, vol. 11, no. 1, spring 2006, pp. 25-53.
- Keohane, Robert O, and Joseph S, Nye. (2001). Power and Interdependence, New York: Longman, Third Edition.
- Krauss, Ellis. (2013). "Crisis Management, LDP, and DPJ Style", Japanese Journal of Political Science / Volume 14 / Special Issue 02 / June 2013, pp 177 - 199, DOI: 10.1017/S1468109913000029, Published online: 10 May 2013
- Manicom, James and Andrew, O'Neil. (2009). "Sino-Japanese strategic relations: will rivalry lead to confrontation?", Australian Journal of International Affairs, Vol. 63, No. 2, June 2009, pp. 213-32.
- Mirheydar, dorreh. (2006). the Foundations of Political Geography, Samt Publication, Tehran [In Persian].
- Moteki, Hiromichi. (2010). "The Senkaku Islands Constitute an Intrinsic Part of Japan", Society for the Dissemination of Historical Fact, Tokyo Japan. <http://www.sdh-fact.com>
- Monfared, Qasem. (2015). South East Asia, China and America competitive future. Strategic Council on Foreign Relations. available at: <http://www.scfr.ir/fa> [In Persian].
- Murase, Shinya. (2013). "Japan Chair Platform: The Senkaku Islands and International Law", the Center for Strategic and International Studies, Tokyo, Japan, May 22, 2013, available at: http://csis.org/files/publication/220509_Japan_Chair_Platform_Senkaku_International_Law.pdf**
- Nishihara, Masashi. (2012). "Japan Should Stand Firm on the Senkaku Islands Dispute", The Association of Japanese Institutes of Strategic Studies, 6 November 2012, available at: http://www2.jiia.or.jp/en_commentary/pdf/AJISS-Commentary164.pdf
- O'shea, Paul. (2012). "Sovereignty and The Senkaku/Diaoyu Territorial Dispute", available at: <Http://Www.Hhs.Se/Eijs/Research/Documents/240.Pdf>
- Osti, Donatello. (2013). "The Historical Background to the Territorial Dispute over the Senkaku/Diaoyu Islands", Analysis No.183, June 2013, available at: http://www.ispionline.it/sites/default/files/publicazioni/analysis_183_2013.pdf
- Parwaz, Reza. (2015). Relief and recovery geopolitical North East Asia, Iranian Diplomacy. available at: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1944909> [In Persian].
- Pan, Zhongqi. (2007). "Sino-Japanese Dispute over the Diaoyu/Senkaku Islands: The Pending Controversy from the Chinese Perspective", Journal of Chinese Political Science, vol. 12, no. 1, spring 2007, pp. 71-92
- Pishgahifard, Zahra. (2005). An Introduction to Political Geography of Seas whit Emphasis on Iran's Seas, University of Tehran press. Tehran [In Persian].
- Rashnoo, Nabiallah. (2013). Look at the position of the Islamic Republic of Iran in the new geopolitical conditions, Iranian National Center for Golobalization Studies, Tehran [In Persian].
- Rashnoo, Nabiallah. Hamidi farahani, Hooman. (2013). Geopolitical and economic diplomacy of the Islamic Republic of Iran, Iranian National Center for Golobalization Studies, Tehran [In Persian].
- Rashnoo, Nabiallah. (2015). Foreign policy, Iran's road map for sustainable development, available at: <http://www.rashnoo.ir/2015/11> [In Persian].

- Rudakowska, Anna. (2013). "Lessons for the EU from the Senkaku/Diaoyu Islands Crisis", Policy briefs are published by the Institute for European Studies, Vrije Universities Brussel, February 2013 available at: http://www.ies.be/files/2013-01_China.pdf
- Shahali, Mohammad Reza. (2013). Japan in a glance, Dafoosaja Publication, Tehran [In Persian].
- Singh, Gunjan. (2012). "China-Japan: Diaoyu/Senkaku Dispute", 5 September 2012, available at: http://www.csc.iitm.ac.in/sites/default/files/home_featured/36_Gunjan%20Singh_Senkaku.pdf
- Soons, Alfred & Schrijver, Nico. (2012). "What does international law say about the China-Japan dispute over the diaoyu/senkaku islands?", 3 December 2012, available at: http://www.thehagueinstituteforglobaljustice.org/cp/uploads/downloadsnieuws/20121203%20THIJGJ-%20What%20does%20international%20law%20say%20about%20the%20China-Japan%20dispute%20over%20the%20diaoyu%20senkaku%20islands_1355148103.pdf
- Taherimosavi, Masumeh. (2008). National Strategy and Geography of Iran, National Geographical Organization Publication, Tehran [In Persian].
- Tan, Dai (2006), "The Diaoyu/Senkaku Dispute: Bridging the Cold War Divide", Santa Clara Journal of International Law, 1, 12/9/2006.
- Tatsumi, Yuki. (2013). "Senkaku Islands/ East China Sea Disputes-A Japanese Perspective", CAN Maritime Asia Project, 107-125, available at: http://www.stimson.org/images/uploads/research-pdfs/Yuki-CNA_paper_8-2013.pdf
- Vandendriessche, Marie. (2012). "Global Maritime Governance and the South China Sea", September 2012, available at: http://itemsweb.esade.edu/research/esadegeo/201207%20Global%20Maritime%20Governance_Marie%20Vandendriessche_EN.pdf
- Waseda University Japan-US Research Institute on Security Policy Research Group. (2008-2010). Building a Comprehensive Japan-US Security System in a New World Order, Tokyo: Waseda University US-Japan Research Institute.
- Yamaguchi, Noboru. (2013). "Japan's Changing Defense Policy", 22 July 2013, available at: <http://www.chathamhouse.org/sites/default/files/public/Research/Asia/220713summary.pdf>**
- Yahuda, Michael. (2006). the Limits of Economic Interdependence. Sino-Japanese Relations, Johnston and Ross, eds., op. cit., pp. 162-85.
- Young J. W. (2005). Cold War Cold Peace (America, Russia And The Cold War 1941-1998), Translated By Ezzati E & Bayat M. Ghoomes Publication, Tehran [In Persian].
- Zacher, M. W. (2001). "The Territorial Integrity Norm: International Boundaries and the Use of Force", International Organization 55(2): 215-50.
- Zhao, Jing. (2005). "The Deterioration of Sino-Japanese Relations after Tiananmen", the International Symposium and Annual Conference of the Association of Chinese Political Studies, San Francisco State University, July 29-31, 2005.